

اعتبارسنجی منابع کتاب الکافی

جمال فرزندوحی *

استادیار دانشگاه رازی

مینا یعقوبی **

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۴/۲۴)

چکیده

کتاب «الکافی» اثر ثقة الاسلام کلینی را به واسطه برخی امتیازات از جمله جامعیت کتاب، جایگاه علمی مؤلف، نزدیکی به زمان ائمه (ع)، دسترسی به اصول اربعانه، نحوه تبویب، استحکام اسناد و ... از برترین نگاشته‌های حدیث شیعه می‌دانند. این پژوهش در صدد است تا با رویکردی نو و از طریق مطالعه منابع «الکافی» و بررسی اصالت و اعتبار آنها، به میزان اعتبار «الکافی» دست یابد. بدین منظور، از شواهد تاریخی و دیدگاه‌های اندیشمندان در ارتباط با منابع در دسترس «الکافی» استفاده نموده است و به بررسی وثاقت و اعتبار آنها می‌پردازد. این منابع اصول اربعانه، جوامع پیش از کافی و نیز کتاب‌هایی که راویان آنها تضعیف شده‌اند، کتبی که در وثاقت راویان آنها اختلاف نظر وجود دارد و کتبی را که معتبر می‌باشند، اما راویان آن تضعیف گشته‌اند، شامل می‌شود. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که شیخ کلینی از منابع معتبر و مورد اعتمادی برای تدوین کتاب «الکافی» بهره برده است و در نتیجه، این کتاب به لحاظ اعتبار علمی از جایگاه بالایی برخوردار خواهد بود.

واژگان کلیدی: الکافی، اعتبارسنجی، منابع، اصول اربعانه، جوامع متقدم.

* E-mail: farzandwahy@yahoo.com

** E-mail: Yaghoobi.mina@gmail.com

مقدمه

استفاده از منابع معتبر و اصیل در اغلب تحقیقات حوزه علوم انسانی و به ویژه پژوهش‌هایی که به نوعی از صبغه تاریخی برخوردارند، اهمیت بسزایی دارد و بر میزان اعتبار و اعتماد به آن پژوهش یا تألیف می‌افزاید. اهمیت این مسأله در ارتباط با تألیف‌ها و مجموعه‌های حدیثی دو چندان می‌باشد؛ زیرا اولاً اساس حدیث‌نگاری بر ارجاع‌دهی است. ثانیاً احادیث پیامبر و معصومین (ع) دومین منبع استخراج معارف و احکام اسلامی می‌باشد. یقیناً به منظور اهمیت این مسأله‌هاست که از همان ابتدا در نقل روایات اهتمام بسیاری به ذکر سلسله اسناد شده و در زمان‌های بعدی نیز علمی به نام «علم رجال» به وجود آمده است.

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی که به «ثقة الاسلام»، «رئیس‌المحدثین»، «راوی» و «سلسلی» ملقب است، در سده سوم هجری در یکی از روستاهای ری به نام «کلین» در میان خانواده‌ای علمی چشم به جهان گشود. کلینی شیخ و چهره برجسته اصحاب در دوران خود بود و موثق‌ترین و ضابط‌ترین افراد در حدیث به شمار می‌رفت. او کتاب بزرگ خود به نام *الکافی* را در ۲۰ سال نگاشت (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷۷) و در این راه از محضر استادانی که شمار آنها را تا ۵۰ نفر نیز ذکر کرده‌اند، بهره برد و شاگردان بسیاری را نیز تربیت نمود. برای کتاب *الکافی* مزایای چندی بر شمرده‌اند که موجب برتری و تمایز آن از نگاشته‌های پیشین یا حتی پس از خود گردیده است. از جمله: حسن ترتیب، فزونی ضبط، پیراسته‌سازی، گردآوری اصول و فروع و برخورداری از بیشتر روایات وارد شده از ائمه اطهار، علیهم‌السلام (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۴۳۳).

کتاب *الکافی* از اهمیت و اعتبار ویژه‌ای در نزد امامیه برخوردار است. شیخ مفید معتقد بود که *الکافی* از مهم‌ترین و پُر فایده‌ترین کُتب شیعه است (ر.ک؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۷۰). شهید اول بر این باور بود که در میان امامیه کتابی هم پای کفای در زمینه حدیث نگاشته نشده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۴: ۱۸۸).

اعتبارسنجی این کتاب ارزشمند از زاویه بررسی منابع و مآخذ آن، هدف تحقیق پیشرو است و به همین منظور بیشترین استفاده را از خود کتاب *الکافی* و سلسله راویان آن نموده تا به این مهم دست یابد.

(۱) منابع و مآخذ کلینی در تألیف *الکافی*

در باب چگونگی دستیابی به منابع و مآخذ کلینی در تألیف کتاب *کافی*، نظرات مختلف و متعددی وجود دارد. از جمله این دیدگاه‌ها تطبیق روایات کُتب حدیثی پیش از کلینی که اکنون در دسترس قرار دارند با روایات *الکافی* و همچنین توجه به سایر قرائن برای اثبات منبع بودن این کُتب است؛ قرائنی از

قبیل شباهت اسناد و ترتیب احادیث و نحوه تبویب یا حتی عناوین این کُتب؛ مانند کتاب صلاة یا کتاب حدود و دیات و ... که عناوین ابواب کتاب کافی را نیز تشکیل می‌دهند. این دیدگاه عمدتاً مربوط به تطبیق اصول اربعمائه موجود می‌باشد که تعداد آنها به ۱۶ اصل می‌رسد. دیدگاه دوم توجه به تعلیقات سندی می‌باشد. به این معنا که مؤلف به اعتبار سند پیشین، بخشی از ابتدای سند جدید را بیان نمی‌کند. علت را اخذ احتمالی مؤلف از کتاب اولین راوی این سند، پس از انقطاع آن می‌دانند (ر.ک؛ ماهنامه کتاب ماه دین، ۱۳۸۷: ۲۰). دیدگاه سوم توجه به آن دسته از اسناد کلینی است که با «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» آغاز می‌شوند؛ زیرا اعتقاد بر این است که افراد و مصادیق «عِدَّة» یا بیشتر آنها جزء مشایخ اجازه کلینی بوده‌اند و هر جا کلینی به واسطه مشایخ اجازه خود حدیثی را نقل کند، می‌تواند به معنای استفاده مستقیم وی از کُتب حدیث مورد اجازه باشد (ر.ک؛ فقیهی، ۱۳۸۴: ۱۰۰).

به هر روی، این تنها بخشی از نظرات و احتمالات مختلف در باب نحوه استخراج منابع کتاب الکافی بود. اما این پژوهش با رویکردی متفاوت و با در نظر گرفتن احتمالات دیگر، بر آن است تا اولاً با بررسی سلسله اسناد کافی به این مهم دست یابد که کلینی از کدامیک از منابع که در اختیار داشته، در تألیف کتاب خود بهره برده است؟ این کار از طریق بررسی برخی منابع همچون اصول اربعمائه و جوامع پیش از کُتب اربعه و نیز کتاب‌هایی که رجالیون آنها را به عنوان مصادر کافی ذکر کرده‌اند، صورت می‌پذیرد، با این پشتوانه که محققان بسیاری بر این منابع تأکید کرده‌اند. با فرض اینکه کلینی از کُتب افرادی که صاحب اصل و تألیف بوده‌اند و اسامی آنها را در سلسله اسناد خود ذکر کرده، استفاده نموده است. در مرحله بعد هدف این پژوهش دستیابی به این نکته است که این تألیفات به لحاظ ارزش و اعتبار در چه جایگاهی قرار دارند و به‌طور کلی، آیا الکافی از منابع معتبر و اصلی برخوردار است؟! تا جدای از امتیازهایی همچون شخصیت علمی کلینی، قرابت زمان او به اهل بیت (ع)، شیوه تبویب و جامعیت تألیف و ... که به حق برای آن قائل شده‌اند، بتوان بر آن به عنوان کتابی مستحکم و معتبر اعتماد نمود؟ لازم به ذکر است که در این تحقیق فرض بر آن بوده است که تعدد و تکثر طرق به یک راوی خاص و کتاب او از یک طرف می‌تواند نشان‌دهنده اعتبار تألیف وی و از سوی دیگر نشان‌دهنده اعتماد کلینی به راوی مذکور، و نیز قرینه‌ای باشد برای مرجع بودن آن کتاب برای الکافی؛ زیرا تکرار یک روایت در اصول با سندهای مختلف و طرق متعدد، از جمله شرایط صحت حدیث در نزد قداما بوده است (ر.ک؛ شیخ بهایی، بی تا: ۴ و ۳). به همین دلیل، تمام طرق مستقیم و غیر مستقیم کلینی به صاحبان تألیف‌های مذکور که در اسناد کتاب کافی موجود است، در این مقاله احصاء و برخی از آنها نیز به عنوان نمونه ذکر گردیده است، به‌ویژه اسنادی که با «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا» و یا با تعلیق آغاز شده‌اند. در انتها اشاره به این نکته ضروری است که منابع ذکر شده در این تحقیق هرگز به معنای احصاء کامل منابع کتاب الکافی نمی‌باشد. در ذیل منابع موجود در اسناد کافی به ترتیب بیان می‌گردد.

(۱-۱) تعدادی از اصول اربعمائه

مقصود از اصل در سخنان اصحاب ائمه (ع) و علمای قرن ۶ تا ۱۱ مجموعه روایاتی بوده است که شاگردان ائمه (ع) آنها را جمع نمودند تا از هر گونه فراموشی و آسیب در امان بماند و هنگام نیاز بتوان به آنها مراجعه کرد. این احادیث اغلب کلام معصومان (ع) بوده است. خواه مستقیم از معصوم (ع) باشد یا آنکه مؤلفان آنها را گرد آوردند و از خود شرحی بر آن نیفزودند. از این رو، از آن به کتاب و مصنف نیز تعبیر شده است (ر.ک؛ کنی، ۱۳۰۲: ۴۸). برخلاف اصطلاح کتاب در دوران فعلی و قرن دهم به بعد که اغلب در آن مطالب با ترتیب خاص و فصول متوالی همراه با شرح و تبیین گردآوری می‌شود (ر.ک؛ عاملی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۴۰).

محقق داماد در راشحه ۲۹ از کتاب *الرواشح السماویه* می‌گوید: «باید دانست که اخذ حدیث از اصول صحیح و مورد اعتماد یکی از ارکان صحیح دانستن روایت است، لذا صرف وجود حدیث در اصل مورد اعتماد یکی از موجبات حکم به صحت حدیث نزد قدا بوده است. اما آنها در رابطه با سایر کتاب‌های مورد اعتماد پس از بر طرف شدن همه احتمالاتی که به صدور آن از معصوم خدشه وارد می‌کند، حکم به صحت احادیث می‌کنند و به صرف وجود در آن کتاب‌ها و حسن عقیده مؤلفان بسنده نمی‌کنند» (میرداماد، ۱۴۰۵ ق: ۱۶۰). آقابزرگ تهرانی در مورد سرنوشت این اصول معتقد است: «هنگامی که روایات اصول در کتاب‌های *محمّدون ثلاثه* ثبت شد، دیگر نسخه‌برداری از آنها صورت نگرفت و تعدادی در معرض فراموشی قرار گرفت و تعدادی هم در جریان آتش‌سوزی کتابخانه کرخ از بین رفت. تعدادی از آنها نیز با حملات مغول ناپدید گشت» (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۶). به گفته محققان تنها ۱۶ مورد از آنها تا دوره معاصر گزارش شده است و از بقیه آنها خبری نیست (معارف، ۱۳۷۷: ۲۶۳). تعدادی از این اصول عبارت هستند از:

(۱-۱-۱) أبان بن تغلب بن رباح بن سعید البکری الجریری (م. ۱۴۱ ق.)

أبان دارای شخصیت والا، موثق و در بین امامیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی امام سجّاد، باقر و صادق (علیهم‌السلام) را ملاقات کرد و از آنها روایت نمود. حضرت باقر (ع) به او فرمود: در مسجد مدینه بنشین و فتوا ده. به راستی دوست دارم در بین شیعیان من، مثل تو دیده شود. کتاب *غریب القرآن* متعلق به اوست و شواهد آن را از بین اشعار عرب انتخاب کرد. أبان دارای کتاب *مفرد، فضائل و اصل* نیز هست (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ ق، الف: ۵۷-۵۹).

شیخ کلینی در کتاب *کافی* با بیش از ۶۵ طریق از أبان بن تغلب نقل روایت کرده است. شیوه‌هایی مانند:

– عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن اَبان بن تغلب.

- محمد بن يحيى عن احمد بن محمد بن عيسى عن عباس بن معروف عن علي بن مهزيار عن
مُخَلَّد بن موسى عن ابراهيم بن علي عن علي بن يحيى اليربوعي عن اَبان بن تغلب.

۲-۱) ابراهيم بن عبدالحميد اسدي

ابراهيم بن عبدالحميد اسدي از اصحاب ثقة حضرت صادق و کاظم (عليهما السلام) بود (نمازی
شاهرودی، بی تا: ۱۴). دوران حضرت رضا (ع) را درک نمود، اما از ایشان روایتی نقل نکرد. او
واقفی مذهب بود (ر.ک؛ حلی، ۱۳۹۲ق، ب: ۲۲۶) و کتاب نوادر از تألیفات اوست (ر.ک؛ نجاشی،
۱۴۰۷ق: ۲۰).

کلینی با ۲۸ طریق از کتاب ابراهیم بن عبدالحمید روایت می کند که برخی از آنها به شرح ذیل
می باشد:

- ابن ابي عمير عن ابراهيم بن عبدالحميد.

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن ابراهيم بن عبدالحميد.

گاهی نیز می گوید: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ
الدَّهْقَانَ عَنْ دُرِّسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ.

گاهی نیز کلینی از کتاب ابراهیم بن عبدالحمید بدون ذکر طریق استفاده می کند؛ مانند: وَ فِي
رِوَايَةِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ...

۳-۱) ابراهيم بن عيسى بن أيوب خراز

فردی ثقة، بزرگ و صاحب منزلت بود. از حضرت صادق و کاظم (عليهما السلام) روایت نمود. کتاب
نوادر متعلق به اوست (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۰) و دارای اصل است (ابن داوود
حلی، ۱۳۹۲ق: ۳۳). محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از این کتاب خبر می دهند (ر.ک؛
تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۷۷).

طرق کلینی به این اصل ۴۵ طریق می باشد؛ مانند:

- أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن أبي أيوب الخزاز.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِ.

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن أبي أيوب الخزاز.

گاهی نیز بدون ذکر طریق از وی روایت می‌کند.

۱-۴) اسحاق بن عمار بن حیان اَبی یعقوب صیرفی

وی فرد ثقه و افطحی‌مذهب بود (ر.ک؛ حلی، ۱۳۸۱: ۳۱۷). شیخ اصحاب امامیه بود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۷۱). از اصحاب حضرت صادق (ع) (ر.ک؛ نمازی، بی‌تا: ۲۶) و امام کاظم (ع) بود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ب: ۱۴۹) و از آنها (ع) روایت نمود (ر.ک؛ عاملی، ۱۰۴۱ق: ۳۸). او دارای اصلی است که به آن اعتماد می‌شود. ابن اَبی عمیر از این اصل خبر می‌دهد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، الف: ۵۴). نجاشی می‌گوید: «در آنچه به تنهایی روایت می‌کند، توقف می‌کنم» (حلی، ۱۳۸۱: ۳۱۶؛ به نقل از رجال نجاشی).

کَلینی در کتاب خود با ۱۷۰ طریق از اسحاق بن عمار و اصل او حدیث روایت می‌کند. طرقی همچون:

- علی بن ابراهیم عن اَبیه عن صفوان بن یحیی عن اسحاق بن عمار.

- ابن اَبی عمیر عن سلیمان صاحب الصابری عن اسحاق بن عمار.

- عِدَّةٌ من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عیسی عن اسحاق بن عمار.

گاهی نیز بدون ذکر طریق از وی روایت می‌کند.

۱-۵) جمیل بن دراج بن عبدالله اَبی علی نخعی

جمیل بن دراج از اصحاب حضرت صادق، کاظم و رضا (ع) بود. در دوران حضرت رضا (ع) فوت کرد. از حضرت صادق (ع) و کاظم (ع) روایت نمود و از زراره و نوح بن دراج روایت أخذ نمود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۰). از فقهای ثقه بود (ر.ک؛ ابوغالب زراری، ۱۳۹۹ق: ج ۲: ۶۸) و دارای اصل است. ابن اَبی عمیر از آن خبر می‌دهد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، الف: ۹۴). برخی از ۵۱ طریق شیخ کَلینی به اصل جمیل بن دراج عبارت هستند از:

- علی بن ابراهیم عن اَبیه عن احمد بن اَبی نصر عن جمیل بن دراج.

- محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن اَبی عمیر عن جمیل بن دراج.

- عِدَّةٌ من اصحابنا عن احمد بن محمد عن علی بن حدید عن جمیل بن دراج.

گاهی نیز بدون ذکر سند از وی روایت نموده است.

۱-۶-۱) حریر بن عبدالله سجستانی ابومحمد آزدی

فقیه ثقه‌ای بود و از حضرت صادق (ع) روایت می‌کرد. از جایگاه والایی برخوردار بوده (ابن داوود حلی، ۱۳۹۲ق: ۲۳۷) و کتاب صلات متعلق به اوست. میزان روایات حریر از زراره، محمد بن مسلم و ... فراوان است (ر.ک؛ نمازی، بی‌تا: ۳۲).

از ۶۹ طریقی که کلینی به واسطه آنها از حریر بن عبدالله نقل حدیث می‌کرده است، می‌توان به اسناد زیر اشاره نمود:

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حُرَيْرِ بْنِ

- حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْحُرَيْرِيِّ.

- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حُرَيْرِ بْنِ

گاهی نیز بدون ذکر سند از وی روایت نموده است.

۱-۷-۱) سعید بن یسار ضبعی

راوی موثق بود. از حضرت صادق (ع) و کاظم (ع) روایت نمود و دارای اصل است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، الف: ۱۳۷). صفوان بن یحیی از آن خبر می‌دهد (ر.ک؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۳۰) کتابی دارد که گروهی از امامیه آن را روایت می‌کنند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۳۳).

مجموع طرق کلینی به اصل سعید بن یسار ۱۹ طریق است که از آن جمله می‌توان برای نمونه به موارد زیر اشاره نمود:

- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ.

۱-۸-۱) هشام بن حکم

موثق و از اصحاب حضرت صادق و کاظم (ع) بود و از آن دو (ع) روایت نمود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۳۳).

تعدادی از کُتُب او عبارت هستند از: *علل تحریریم، فرائض، امامت، دلالة علی حدث اجسام، ردّ علی زناقه، ردّ علی اصحاب اثنین و توحید*. ابن ابی عمیر از این کُتُب روایت می‌کند (ر.ک؛ همان).

شیخ کلینی با ۱۶ طریق از هشام بن حکم و کُتُب او نقل روایت می‌کند، طرقی همچون:

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن الحكم.

- احمد (بن محمد بن عیسی) عن عبدالعظیم عن هشام بن الحكم.

و گاهی تنها با یک واسطه از هشام روایت می‌کند؛ مانند: ابن ابي عمير عن هشام بن الحكم.

۹-۱) هشام بن سالم جوالیقی

فردی بسیار موثق است (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ق: ۴۳۳). از اصحاب حضرت صادق (ع) و کاظم (ع) بود و از آن دو روایت نمود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ب: ۳۲۹ و ۳۶۹). هشام بن سالم دارای عقیده سالمی بود و عاشق ولایت بود (ر.ک؛ عاملی، ۱۴۰۱ق: ۵۹۹).

کتاب‌های او عبارت هستند از: حج، تفسیر و معراج، دارای اصل است. ابن ابي عمير از این اصل خبر می‌دهد (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، الف: ۲۵۷).

از طرق کلینی به کُتُب هشام بن سالم که به ۵۴ طریق می‌رسد، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ.

گاهی نیز بدون ذکر سند از وی روایت نموده است.

۲-۱) تعدادی از جوامع متقدم

با توجه به وجود اسامی برخی از صاحبان جوامع اولیه در طرق *الکافی*، کلینی از ۲۵ جامع، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم در تدوین کتاب *کافی* بهره برده است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک؛ طباطبائی و رضاداد، بی تا: ۹). تعدادی از جوامع متقدم عبارت هستند از:

۱-۲-۱) ظریف بن ناصح کوفی

از اصحاب امام باقر (ع) بود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، ب: ۱۳۸). او در بغداد می‌زیسته است و تا پس از دویست هجری در قید حیات بوده است (ر.ک؛ آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲: ۱۶۰). رجال‌شناسان وی را ثقة و صدوق دانسته‌اند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۰۹ و علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۳). کتاب جامعی دارد با نام *الجامع فی سائر أبواب الحلال و الحرام* که اطلاعی از آن در دست نیست. از دیگر آثار وی، *النوادر، الدیات و الخدود* است که نجاشی با چهار واسطه از آنها روایت می‌کند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۰۹). کلینی نیز با ۳ طریق از جامع ظریف روایت می‌کند، شامل:

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفِ بْنِ أَبِيهِ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ.

گاهی نیز بدون ذکر سند از وی روایت نموده است.

۱-۲-۲) مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي شَعْبَةَ حَلَبِيِّ

متوفی سال ۱۴۸ هجری قمری و از فقهای بزرگ کوفه بوده است. نجاشی او را توثیق نموده است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۲۳۵) و جامعی دارد با عنوان کتاب مَبُوبٌ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ که مورد استفاده محدثان بعدی و از جمله شیخ کلینی قرار گرفته که با یک طریق از جامع وی روایت نموده است:

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ.

۱-۲-۳) عبيدالله بن علي بن أبي شعبه حلبی

متوفی سال ۱۴۸ هجری قمری و از بزرگان کوفه بود و کتابی دارد که گفته‌اند نخستین کتاب فقهی منظم و جامع شیعه است (ر.ک؛ برقی، ۱۳۸۳: ۲۳). جامع وی به واسطه اعتماد به آن و عرضه بر امام صادق (ع) اصل نیز خوانده شده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: الف: ۱۷۴ و آفابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۲۶: ۴۸) و گفته شده که نزدیک به هزار روایت از آن در کتب اربعه آمده است (ر.ک؛ مدرّسی طباطبائی، ۱۳۸۳: ۴۴۸).

در ذیل، ۳ طریقی که کلینی با واسطه آنها از جامع مذکور روایت نموده، بیان می‌شود:

- عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ.

- عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ اِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ.

- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ.

۱-۲-۴) معمر بن راشد صنعانی بصری

وفات او را سال ۱۵۰ یا ۱۵۳ هجری قمری ذکر کرده‌اند (ر.ک؛ واقدی، بی‌تا، ج ۵: ۵۴۶). از یاران امام صادق (ع) بود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ب: ۳۰۷) و کتابی دارد با عنوان الجامع (ر.ک؛ شبستری،

۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۷۸). فضل بن دگین و عبدالرزاق صنعانی از راویان وی می‌باشند (ر.ک؛ نمازی، بی‌تا، ج ۷: ۴۶۴). برخی نیز وی را از رجال عامّه دانسته‌اند (ر.ک؛ تستری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۱۷۴). کلینی تنها با یک طریق از جامع وی روایت می‌کند:

- علیّ عن أبيه عن عليّ بن محمد القاساني عن القاسم بن محمد عن سليمان بن داود المنقري عن عبدالرزاق بن همام عن معمر بن راشد.

۱-۲-۵) مسعدة بن زياد ربيعي

از راویان موثق امام صادق (ع) بود و در میانه قرن دوم می‌زیسته است. جامعی دارد با عنوان کتاب فی الحلال و الحرام که به صورت موضوعی در ابواب فقه نوشته شده، عبدالله بن جعفر حمیری آن را از طریق هارون بن مسلم نقل کرده است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۱۵). در کتاب کافی نیز با دو طریق از جامع مذکور روایت شده است:

- علیّ بن ابراهیم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن زياد.

- محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن مسعدة بن زياد.

۱-۲-۶) ابراهیم بن محمد بن أبي يحيى سمعاني مدني

وی از اصحاب خاصّ امام صادق (ع) بود. کتابی دارد با عنوان الْمَبُوبُ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ که ظاهراً بر اساس موضوعات فقهی تنظیم شده است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۴ و طوسی، ۱۴۱۵ق، الف: ۳۴).

طُرُقُ كَلِينِي بِهِ جَامِعٌ فَوْقَ ۳ طَرِيقٍ مَيِّ بَاشِدُ كِه عِبَارَتِ هَسْتَنْدِ اَز:

- علیّ بن محمد عن بعض أصحابنا عن محمد بن عيسى بن عبيد عن ابراهيم بن محمد المدني.

- محمد بن يحيى عن سلمه بن خطاب عن ابراهيم بن محمد.

- سهل عن ابراهيم بن محمد المدني.

۱-۲-۷) يعقوب بن سالم احمر كوفي

در سال ۱۸۳ هجری قمری در قید حیات بود (ر.ک؛ شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۴۵۵). وی از اصحاب ثقة امام صادق (ع) است و کتابی دارد به نام مَبُوبُ فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ که برادر زاده اش علی بن اسباط آن را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۴۹). صاحب کتاب کافی با ۱۱ طریق از این کتاب روایت کرده است. طرقي همچون:

- علیّ بن ابراهيم عن أبيه عن عليّ بن أسباط عن عمّه يعقوب بن سالم.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ.

- عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ.

۱-۲-۸) ابومحمد غیاث بن ابراهیم تمیمی دارمی

ساکن کوفه و از روایان موثق امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بوده است (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۳۰۵ و طوسی، ۴۱۵ق: ب: ۲۶۸). کتاب مَبَّوَّبٌ فِي الْخَلَالِ وَالْخَرَامِ او را اسماعیل بن ابان بن اسحاق، محمد بن یحیی الخزاز و حسن بن علی لولوی روایت کرده‌اند (ر.ک؛ همان، الف: ۱۹۶). کلینی نیز با ۱۲ طریق از این جامع روایت می‌کند:

- عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ اِبْرَاهِيمَ.

۱-۲-۹) رُفَاعَةُ بْنُ مُوسَى أَسَدِي كُوفِي (رُفَاعَةُ نَخَّاسِ)

راوی ثقة‌ای بود (ر.ک؛ همان: ۱۲۹) از اصحاب حضرت صادق (ع)، کاظم (ع) (ر.ک؛ نمازی، بی‌تا: ۴۵) و امام رضا (ع) (ر.ک؛ زراری، ۱۳۹۹ق: ج ۲: ۱۴۱) بود. به روایات او طعنی نیست. روشش پسندیده بود (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۶). کتابی با عنوان مَبَّوَّبٌ فِي الْفَرَائِضِ دارد (ر.ک؛ زراری، ۱۳۹۹ق: ج ۲: ۷۹). ابن ابی عمیر از این کتاب خبر می‌دهد (ر.ک؛ طوسی، ۴۱۵ق: ۱۲۹). کلینی به ۵ طریق از کتاب رُفَاعَةُ بْنُ مُوسَى نقل می‌کند:

- عَلِيُّ بْنُ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ رُفَاعَةَ النَّخَّاسِ.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى النَّخَّاسِ.

- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رُفَاعَةَ النَّخَّاسِ.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رُفَاعَةَ النَّخَّاسِ.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ رُفَاعَةَ النَّخَّاسِ.

۱۰-۲-۱) یونس عبدالرحمن معروف به مولی آل یقطین

متوفی ۲۰۸ هجری قمری است. از برجسته‌ترین راویان امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۴۴۸ و طوسی، ۴۱۵ق: ۳۳۸-۳۶۶) و مورد وثوق و تأیید ایشان بود، به‌گونه‌ای که وی را از اصحاب اجماع به حساب آورده‌اند (ر.ک؛ همان: ۸۳۰) یونس صاحب تألیفات بسیاری از جمله کتابی با عنوان *الجامع الکبیر فی الفقه* بوده است. کلینی نیز از این راوی برجسته و جامع وی با ۲۰ طریق نقل روایت می‌کند؛ مانند:

- علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس بن عبدالرحمن.

- عدّه من اصحابنا عن أحمد بن أبی عبدالله عن محمد بن عیسی عن یونس بن عبدالرحمن.

گاهی نیز بدون ذکر سند از وی روایت کرده است.

۱۱-۲-۱) صفوان بن یحیی

از اصحاب ثقة امام کاظم، امام رضا و امام جواد (ع) است. وی بسیار مورد تأیید رجالیون بود (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۱۹۷) و در طبقه سوم اصحاب اجماع قرار دارد (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۸۳۰). شمار تألیفات او را سی کتاب گفته‌اند. وی از جماع احادیث ائمه (ع) و صاحب کتب ثلاثین یا الفقه المکمل می‌باشد (آقابرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۶: ۲۹۸).

- طرق کلینی به این جامع مهم مجموعاً ۴۵ طریق می‌باشد؛ مانند:

- علی بن ابراهیم عن أبیه عن صفوان بن یحیی.

- عدّه من اصحابنا عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن أشیم عن صفوان.

و بدون ذکر طریق از وی روایت می‌کند.

۱۲-۲-۱) ابو أحمد محمد بن أبی عمیر زیاد بن عیسی

از موثق‌ترین افراد مورد اعتماد شیعه و اهل سنت (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۳۲۶) و از اصحاب اجماع می‌باشد (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۸۳۰). ابن أبی عمیر نزد بسیاری از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا (ع) به استماع و ضبط حدیث پرداخت. جامع او با عنوان *الأنوار* شامل چهل کتاب و بدون سند بوده است (ر.ک؛ طوسی، بی تا، ج ۲: ۸۵۴) که بسیاری از بزرگان به واسطه وثاقت خود او، روایات او را همچون مسند می‌دانند و به آن اعتماد می‌کنند. در کتاب *شریف کافی* نیز به ۴۱ طریق از این جامع حدیث نقل روایت شده است؛ مانند:

- احمد بن محمد (بن عیسی) عن محمد بن ابی عمیر.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ.

و بدون ذکر طریق از وی روایت می کند.

۱۳-۲-۱) ابو علی حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بجلی (حسن بن محبوب السراد)

اهل کوفه و متوفی سال ۲۲۴ هجری قمری می باشد. رجالیون وی را ثقه و جلیل القدر و از ارکان اربعه عصر خود برشمرده اند (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۳۴ و علامه حلی، ۱۳۸۳، الف: ۳۸). آثار حدیثی بسیاری را گرد آورد که در آنها مجموعاً از ۶۰ نفر از اصحاب امام صادق (ع) حدیث روایت کرده است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، الف: ۴۷). وی کتابی داشته است با عنوان الْمَشِيخَة که به واسطه دو بار تبویب آن، یکی به دست شاگردش و بر اساس حروف الفبا، و دیگری به دست شیخ کلینی ابوسلیمان داؤد بن کوره قمی و براساس ابواب فقهی، از جوامع حدیثی مدون و مبوب پیش از کافی به حساب می آید (ر.ک؛ طباطبائی و رضاداد، بی تا: ۱۹). کلینی نیز با ۲۵ طریق از این کتاب روایت می کند؛ مانند:

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مُحِبِّ بْنِ مُحَمَّدٍ.

- علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب.

و بدون ذکر طریق از وی روایت می کند.

۱۴-۲-۱) احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی مولی سکونی

فقیه ثقه از اهالی کوفه و متوفی ۲۲۱ هجری قمری است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵ق، الف: ۱۹). وی از یاران خاص امام کاظم، امام رضا و امام جواد (ع) بوده است (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۵ق، ب: ۳۳۲، ۳۵۱ و ۳۷۳). وی را از اصحاب اجماع دانسته اند (ر.ک؛ همان، بی تا، ج ۲: ۸۳۰). کتابی مهم با عنوان الجامع از خود بر جای گذاشت (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۵ق، الف: ۱۹) که کلینی با ۲۸ طریق از آن روایت نموده است. طرفی همچون:

- علی بن ابراهیم عن احمد بن محمد بن ابی نصر.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ.

و بدون ذکر سند مستقیماً از کتاب وی روایت می کند.

۱۵-۲-۱) موسی بن القاسم بن معاویه بن وهب البجلی

از اصحاب امام رضا (ع) است (ر.ک؛ همان، ۴۱۵ق، ب: ۳۷۸) شیخ طوسی وی را با لفظ «ثِقَّة» و نجاشی با «ثِقَّةٌ ثِقَّةٌ»، «جَلِيلٌ»، «وَاضِحُ الْحَدِيثِ» و «حَسَنُ الطَّرِيقِ» ستوده‌اند (ر.ک؛ همان: ۳۶۵ و نجاشی، ۴۱۶ق: ۴۰۵). سی کتاب همچون کُتُب حسین بن سعید و علاوه بر آنها کتابی به نام *الجامع* داشته است (ر.ک؛ طوسی، ۴۱۵ق، الف: ۲۴۳) که صاحب کتاب *کافی* با ۱۶ طریق از آن روایت کرده است؛ مانند:

- علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن موسی بن القاسم البجلی.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ.

و أحمد (بن محمد بن عیسی) عن موسی بن القاسم.

۱۶-۲-۱) منذر بن محمد بن منذر بن سعید بن أبی الجهم القابوسی

راوی ثقه و از فرزندان قابوس بن نعمان بن منذر و از خاندانی بامنزلت و بزرگ بود که در کوفه زندگی می‌کرد. تألیفات بسیاری داشت؛ همچون: *وَفُودُ الْعَرَبِ إِلَى النَّبِيِّ (ص)*، *کتاب الْجَمَل*، *کتاب الغارات*، *کتاب الصّفتین* و *کتاب التّهروان* و جامعی با عنوان *جامع الفقه* (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۴۱۸) که کلینی تنها با یک طریق از این جامع روایت کرده است:

- علی بن محمد عن عبدالله بن محمد خالد قال حَدَّثَنِي مُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَابُوسٍ.

به منظور جلوگیری از اطالۀ کلام، از شرح حال سایر جامعان حدیث خودداری، و تنها به ذکر نام مؤلفان و طرق کلینی به کتاب‌های آنان بسنده می‌شود.

۱۷-۲-۱) علی بن محمد بن شیره القاسانی

او صاحب کتاب بزرگی با نام *الجامع فی الفقه* بود (ر.ک؛ نجاشی، ۴۱۶ق: ۲۵۵) که شیخ کلینی با ۱۰ طریق از آن روایت نموده است؛ طرقی مانند:

- علی بن ابراهیم عن علی بن شیره.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْقَاسَانِيِّ.

و بدون ذکر سند مستقیماً از کتاب وی روایت می‌کند.

۱۸-۲-۱) ابو سَمینَه مُحَمَّد بن علی بن ابراهیم بن موسیٰ أبی جعفر القرشی الصیرفی

صاحب کتاب *المکمل المکمل* مشتمل بر سی کتاب (ر.ک؛ آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۶: ۲۹۷) که البته رجال شناسان وی را توثیق نکرده اند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۳۳۳). کلینی از این جامع نیز با ۴ طریق و در طیّ تنها چهار روایت نقل می کند؛ شامل:

- علی بن محمد عن محمد بن علی بن ابراهیم.
- علی بن محمد عن محمد بن ابراهیم المعروف بابن الکردی عن محمد بن علی بن ابراهیم.
- علی بن محمد عن سهل بن زیاد عن محمد بن علی بن ابراهیم.
- أحمد بن عبدالله عن أحمد بن أبی عبدالله عن محمد بن علی الصیرفی.

۱۹-۲-۱) أحمد بن محمد بن خالد برقی

صاحب کتاب *المحاسن*، که در کتاب کافی با ۱۲ طریق از این جامع روایت شده است؛ مانند:

- علی بن ابراهیم عن أحمد بن محمد بن خالد.
 - عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد.
- نیز بدون ذکر طریق مستقیماً از کتاب وی روایت می کند.

۲۰-۲-۱) حسین بن سعید بن حمّاد کوفی اهوازی

مؤلف کتب *ثلاثین* یا *الفقه المکمل* (ر.ک؛ آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۱۶: ۲۹۷) که کلینی با ۱۷ طریق از این کتب روایت می کند؛ مانند:

- أحمد بن محمد عن الحسين بن سعید.
 - عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعید.
- نیز بدون ذکر سند مستقیماً از وی روایت می کند.

۲۱-۲-۱) أبوجعفر مُحَمَّد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعری القمیّ

کتابی دارد با عنوان *الجامع فی الحدیث* (ر.ک؛ همان، ج ۵: ۲۹) و طرق کلینی به این کتاب عبارت هستند از:

- مُحَمَّد بن یحیی عن أحمد بن محمد (بن عیسی) عن محمد بن أحمد بن یحیی.

همچنین بدون ذکر سند نیز از محمد بن احمد بن یحیی روایت کرده است.

۲۲-۲ (۱-۲) ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود الثقفی

وی کتابی با نام *الجامع الكبير في الفقه* داشته است که در *الکافی* با ۹ طریق از آن روایت شده است؛ مانند:

- عَنْهُ (علی بن ابراهیم) عَنْ ابراهیم بن محمد الثقفیّ

- عِدَّةٌ مِنْ اصْحَابِنَا عَنْ اَحْمَدَ بْنِ اَبِي عَبْدِاللهِ عَنْ ابراهیم بن محمد الثقفیّ.

۲۳-۲ (۱-۲) محمد بن علی بن محبوب أشعری قمی

کلینی تنها با ۱ طریق از کتاب وی با عنوان *الجامع في الفقه* روایت می کند:

- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ.

۲۴-۲ (۱-۲) حمید بن زیاد بن حماد دهقان

کلینی از کتاب *الجامع في أنواع الشرايع* وی بدون ذکر طریق و مستقیماً روایت می کند.

۲۵-۲ (۱-۲) محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی

از محمد بن مسعود که به سبب کثرت تألیفات در زمره جامع نگاران قرار گرفته است و کلینی با ۳ طریق ذیل روایت می کند:

- حَمِيدٌ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَسْعُودٍ.

- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِالْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَسْعُودٍ.

- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مَسْعُودٍ.

با نگاهی اجمالی به آنچه که از اصول و جوامع متقدم و شرح حال صاحبان آنها گذشت، می توان مشاهده کرد که جز در یکی دو مورد، بقیه کتب و مؤلفان از اصالت، اعتبار و وثاقت بالایی برخوردار هستند و به حق، منابع مطمئن و ارزشمندی برای کتاب کلینی به شمار می روند و در عین حال، این اعتبار و جایگاه را به *الکافی* نیز می بخشند.

۱-۳) کتاب‌هایی که روایان آنها تضعیف شده‌اند

کلینی در تألیف *الکافی* از برخی از کُتُب که روایان آنها تضعیف شده‌اند، استفاده کرده است؛ نظیر کتاب *إنا أنزلناه فی لیلة القدر* از حسن بن عباس بن حریش، کتاب *وفاة نبی اکرم (ص)* از سلمة بن خطاب و کتاب دلائل از محمد بن علی صیرفی ابوسمینه. حال، نگاهی کوتاه بر این کُتُب و نویسندگان آنها انداخته می‌شود.

۱-۳-۱) حسن بن عباس بن حریش رازی

ابوعلی رازی ضعیفی و از اصحاب امام جواد (ع) بود (ر.ک؛ ابطحی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۲۹۳) و احمد بن عیسی از او روایت نموده است.

ابن غضائری می‌گوید: «به شخصیت او توجهی نمی‌شود و حدیث او نوشته نمی‌شود» (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۵۱).

کتاب *ثواب قرائته إنا أنزلناه فی لیلة القدر* متعلق به اوست (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۵). احمد بن محمد بن یحیی از این کتاب خبر می‌دهد. الفاظ این کتاب مضطرب است و احادیث آن رد می‌شود (ر.ک؛ خوبی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۳۶۱).

شیخ کلینی تنها ۳ روایت را به ۳ طریق از کتاب وی نقل می‌کند. این طرق عبارت هستند از:

- محمد بن ابی عبدالله و محمد بن الحسن بن سهل بن زیاد عن الحسن بن العباس بن الحریش.

- محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن الحسن بن العباس بن الحریش.

- عدّه من أصحابنا عن سهل بن زیاد عن الحسن بن العباس بن الحریش.

۱-۳-۲) سلمة بن خطاب ابوالفضل براوستانی

در حدیث ضعیف بود (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۳۸۱: ۲۲۷). کتاب‌های زیر متعلق به اوست: کتاب *ثواب اعمال*، *نوادر*، *سهو*، *صیام*، *حج* و... (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۸۷). محمد بن یحیی از این کُتُب خبر می‌دهد (ر.ک؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۳۴۹). کلینی به دو طریق، ۵۷ روایت از کُتُب سلمة بن خطاب نقل می‌کند:

- محمد بن یحیی عن سلمة بن الخطاب.

- علی بن ابراهیم عن سلمة بن الخطاب.

۳-۱-۳) محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی صیرفی (أبو جعفر قرشی، أبو سمینه)

در بحث از جوامع پیش از *کافی*، طرق کلینی به کتب ابوسمینه و تعداد روایات مروی از وی که تنها ۴ طریق و ۴ روایت بود، بیان گردید. در اینجا به طور مختصر شرح حال او بیان می‌شود. ابوسمینه راوی ضعیف، دارای عقاید باطل و مورد اعتماد نبوده است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶:ق: ۳۳۲). ابن داوود حلی به نقل از کشی وی را به غلو منسوب می‌نماید و به نقل از غضائری، واضع حدیث می‌داند (ر.ک؛ ابن داوود حلی، ۲۷۴:۱۳۹۲). کتاب‌های *دلائل*، *وصایا*، *عتق*، *تفسیر عمّ یتساءلون* و *آداب* از تألیفات اوست (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶:ق: ۳۳۲).

در رابطه با بخش ۳ باید گفت که کلّ روایاتی که کلینی از آنها نقل می‌کند، ۶۴ روایت است که نسبت به ۱۶۱۹۹ و به شمارشی دیگر، ۱۵۱۷۶ روایت *کافی* (ر.ک؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۷: ۱۴۲) بسیار اندک و ناچیز می‌باشد و مجموع ۹ طریق کلینی به این ۳ نفر نشان از عدم اتکاء و اعتماد وافر کلینی به روایات این افراد است و وجود این تعداد اندک روایت ضعیف در *کلّ الکافی* نمی‌تواند استحکام زیربنایی آن را به عنوان مرجع معتبر و صحیح سست نماید.

۴-۱) کتبی که در وثاقت راویان آن اختلاف نظر وجود دارد

از این دسته می‌توان به کتاب *توحید و نود* در سهل بن زیاد و نیز کتاب *اخبار سید* از اسحاق بن محمد نخعی اشاره نمود.

۴-۱-۱) سهل بن زیاد ادمی رازی

راوی موثق و از اصحاب امام جواد، امام هادی (ع) (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵:ق: ۴۱۰ و ۴۱۶) و امام حسن عسکری (ع) بود (ر.ک؛ نمازی، بی‌تا: ۴۹). وی در حدیث ضعیف بود. به او اعتماد نمی‌شود. در نقل روایت دچار فساد شد (ابن داوود حلی، ۱۳۹۲: ۲۴۹). احمد بن محمد بن عیسی او را به غلو و دروغ متهم کرد. کتاب‌های *توحید و نود* متعلق به اوست (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶:ق: ۱۸۵).

سهل بن زیاد در سند ۱۵۳۷ روایت از کتاب *کافی* قرار دارد و کلینی این همه را با ۶ طریق از وی روایت می‌کند. طرقی همچون:

- علی بن محمد عن سهل بن زیاد.

- عدّه من أصحابنا عن سهل بن زیاد.

گاهی نیز بدون ذکر سند از او نقل می‌کند.

۲-۴-۱) اسحاق بن محمد نخعی اَبی یعقوب اَحمر

او از یاران ثقة امام هفتم (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۳۸۱: ۵۸)، امام جواد (ر.ک؛ ابن داوود حلی، ۱۳۸۲: ۲۳۱)، امام هادی و حسن عسکری (علیهما السلام) بود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵: ب: ۴۱۱ و ۴۲۸). منبع فساد بود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۷۳) و غالی است (ر.ک؛ حلی، ۱۳۸۱: ۲۰۰ و عاملی، ۱۴۱۱: ۴۳). کتاب‌هایی در تخلیط دارد (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۴۱۶: ۳۱۸). کتاب اخبار سید و مجالس هشام متعلق به اوست (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۷۳).

ابن غضائری در شرح حال اسحاق بن محمد می‌گوید: «در نقل روایت، دروغگو است. وضاع حدیث است. به آنچه که روایت می‌کرد، توجهی نمی‌شود. به مذهب اسحاقیه منسوب است» (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۳۱۸).

در تمام اصول و فروع و روضة کافی تنها ۱۲ بار از اسحاق بن محمد روایت شده است و طرق کلینی به کتاب وی عبارت هستند از:

- علی بن محمد عن اسحاق بن محمد النخعی.
- محمد بن یحیی عن جعفر بن محمد عن اسحاق بن محمد.
- محمد بن اَبی عبدالله و علی بن محمد عن اسحاق بن محمد النخعی.
- علی بن محمد عن محمد بن اَبی عبدالله عن اسحاق بن محمد النخعی.

باید توجه داشت که توافق و اجماع همه رجالیون بر ضعف یا وثاقت یک راوی ممکن است تنها در موارد معدودی به وقوع بپیوندد و گاه سکوت و اهمال درباره یک راوی نیز وجود دارد. به همین دلیل، نمی‌توان به صرف وجود آراء تضعیف در مورد یک شخص، به‌طور قطع نظر به ضعف وی داد و روایات او را مردود دانست. به‌علاوه، با توجه به شرط صحت احادیث در نزد قداما که در مورد کتاب‌های غیر از اصول، تنها به شهرت کتاب یا صحت عقیده مؤلف آن بسنده نمی‌کردند، بلکه با توجه به نزدیکی به زمان راویان احادیث و صاحبان مصنفات و جوامع، قرائن دیگری را برای گزینش منابع خود در نظر می‌گرفتند (ر.ک؛ میرداماد، ۱۴۰۵: ۲۹). شیخ کلینی نیز باید در اتخاذ منابعی همچون کُتب سهل بن زیاد که مورد اختلاف رجالیون بوده است، اعتماد وافی و لازم را به وی داشته باشد و گرنه نمی‌توان تصور کرد که ثقة الاسلام کلینی با آن همه دانش حدیثی و وسواس علمی، در انتخاب منبع بخش بزرگی از روایات کتاب خود، اهمال نموده باشد. این مطلب در مورد معلی بن محمد بصری که خودش از سوی رجالیون تضعیف، ولی کُتب او مورد توثیق و مدح قرار گرفته است، نیز صدق می‌کند.

۱-۵) کُتبی که معتبر می‌باشند، ولی راویان آن تضعیف شده‌اند

از این دسته می‌توان به معلی بن محمد بصری اشاره نمود که در *رجال نجاشی* با عبارت مضطرب حدیث و مذهب وصف می‌شود. اما نجاشی درباره کُتب وی می‌گوید: «کتبه قریبه» (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۴۱۷). ابوعلی اشعری، حسین بن محمد بن عامر و حسین بن حمدان از کُتب معلی بن محمد خبر داده‌اند (ر.ک؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ق، ج ۳: ۳۳۹). علامه حلی از ابن غضائری نقل می‌کند که از ضعف نقل می‌نمود و جایز است که به عنوان شاهد به کار رود. برخی از احادیث او منکر است (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۳۸۱ق: ۴۰۹).

نام وی در سلسه سند ۵۴۷ حدیث *کافی* وجود دارد. کلینی جز در یک مورد که در ذیل خواهد آمد، تنها به واسطه حسین بن محمد الأشعری از کُتب معلی بن محمد روایت کرده است:

- أحمد بن محمد العاصمی عَمَّن حَدَّثَهُ عَن مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ.

نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان می‌دهد که شیخ کلینی از تعدادی از اصول اربعمائه، جوامع پیش از خود، کتاب‌هایی که راویان آنها تضعیف شده‌اند، کتاب‌هایی که در وثاقت راویان آنها اختلاف نظر وجود دارد و کتاب‌هایی که معتبر می‌باشند، ولی راویان آن تضعیف گشته‌اند، استفاده نموده است. از میان این منابع، دو دسته اول که بخش بزرگی از منابع را تشکیل می‌دادند، جز یکی دو مورد، از اعتبار و وثاقت بالایی نزد رجالین و اهل حدیث امامیه یا حتی علماء عامه برخوردارند. در ارتباط با اعتبار سه گروه بعدی نیز جای بحث و بررسی دارد که در جای خود بیان گردید و می‌توان گفت تنها تعداد معدود و انگشت‌شماری از منابع *کافی* متفقاً ضعیف و نامعتبر می‌باشد که البته میزان روایت کلینی از آنها و نیز تعداد طرق وی به آنان نسبت به کلّ روایات *کافی* و طرق کلینی به دیگران، بسیار اندک است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب *الکافی* تألیف شیخ کلینی، به واسطه استفاده از منابع معتبر و اصیل، از اعتبار و ارزش علمی بالایی برخوردار است و همچنان از برترین نگاشته‌های حدیثی شیعه به شمار می‌رود.

منابع و مأخذ

- آقابزرگ تهرانی، محمدحسن. (بی تا). *الذریعة إلى تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالأضواء.
- ابطحی، محمدعلی. (۱۴۱۲ق.). *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ النجاشی*. چاپ اول. قم: چاپ سیدالشهداء.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۰۸ق.). *لسان المیزان*. بیروت: دارالفکر.
- طباطبائی (بحرالعلوم)، محمد. (۱۳۶۳). *الفوائد الرجالیه*. تهران: منشورات مکتبه صادق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۸۳ق.). *الرجال*. تهران: دانشگاه تهران.
- بهایی العاملی، بهاءالدین محمد. (بی تا). *مشرق الشمسین*. بی جا.
- تستری، محمدتقی. (۱۴۱۹ق.). *قاموس الرجال*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- تفرشی، مصطفی بن حسین. (۱۴۱۸ق.). *نقد الرجال*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ق.). *خلاصة الأقوال فی علم الرجال*. تحقیق شیخ جواد قیومی. بی جا: مؤسسه نشر اسلامی و مؤسسه نشر فقاہت.
- _____ . (۱۳۸۱). *خلاصة الأقوال*. تحقیق محمدصادق بحرالعلوم. بیروت: المطبعة الحیدریة.
- حلی، حسن بن علی. (۱۳۸۳ق.). الف. *رجال ابن داوود*. تهران.
- _____ . (۱۳۹۲ق.). ب. *رجال ابن داوود*. تحقیق محمدباقر آل بحرالعلوم. نجف: المطبعة الحیدریة.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق.). *معجم رجال الحدیث*. لجنه تحقیق. چاپ پنجم. نجف: المطبعة الحیدریة.
- زراری، ابوغالب. (۱۳۹۹ق.). *تاریخ آل زرارہ*. شرح علی بن مرتضی موسوی: بی جا: چاپ ربانی.
- شبستری، عبدالحسین. (۱۴۱۸ق.). *الفائق فی رواہ و اصحاب الإمام الصادق (ع)*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبائی، کاظم و علیہ رضاداد. (بی تا). «جامع نویسان پیش از کلینی». *مجله علوم حدیث*. سال چهاردهم. شماره اول. ص ۹.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ق.). الف. *الفهرست*. تحقیق جواد قیومی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ . (۱۴۱۷ق.). ب. *الفهرست*. تحقیق جواد القیومی. چاپ اول. بی جا: مؤسسه نشر الفقاہه.
- _____ . (۱۴۱۵ق.). *رجال طوسی*. تحقیق جواد قیومی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ . (بی تا). *اختیار معرفة الرجال*. تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی. تحقیق مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- عاملی، حسن. (۱۴۱۱ق.). *تحریر طاووسی*. چاپ اول. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- عاملی، محسن امین. (۱۳۷۰). *اعیان الشیعه*. دمشق: مطبعة ابن زیدون.
- فقیهی، حسین. (۱۳۸۴). «سیری در اسناد احادیث کافی». *ماهنامه کوثر*. شماره ۶۴. ص ۱۰۰.

- کتاب ماه دین. (۱۳۸۷). «ویژگی‌های کلی اسناد کافی». *ماهنامه کتاب ماه دین*. سال یازدهم. شماره ۱۱-۱۰ (پیاپی ۱۳۱). صص ۲۵-۲۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کفی، علی. (۱۳۰۲). *توضیح المقال*. قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۳). *مرآة العقول*. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- _____ . (۱۴۰۴ق.). *بحار الأنوار*. لبنان: مؤسسه الوفاء.
- مدرّسی طباطبائی، حسن. (۱۳۸۳). *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*. ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان. قم: کتابخانه تخصصی اسلام و ایران.
- مدیر شانه‌چی، کاظم. (۱۳۸۷). *تاریخ حدیث*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- معارف، مجید. (۱۳۷۷). *تاریخ عمومی حدیث*. تهران: انتشارات کویر.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق.). *تصحیح الاعتقاد*. تحقیق حسین درگاهی. چاپ اول. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- میر داماد، محمدباقر. (۱۴۰۵ق.). *الرواشح السماویة*. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶ق.). *رجال نجاشی*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ . (۱۴۰۷ق.). *رجال نجاشی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی. (بی‌تا). *الأعلام الهادیة الرفیعة فی إعتبار الکتب الأربعة المنیعة*. قم: مؤسسه النشر الأسلامی.
- واسطی بغدادی (ابن غضائری)، احمد بن حسین. (۱۳۶۴). *الرجال*. محمدرضا حسینی. قم: دارالحدیث.
- واقدی، محمد بن سعد. (بی‌تا). *الطبقات الكبرى*. تحقیق احسان عباس. بیروت: دار صادر.

از اینجا بپرید ↓

برگ درخواست اشتراک فصلنامه سراج منیر

نام و نام خانوادگی/عنوان مؤسسه:

درخواست اشتراک از شماره تا شماره و تعداد مورد نیاز از هر شماره نسخه دارد.

نشانی:

تلفن:؛ کد پستی:؛ صندوق پستی:

نشانی پست الکترونیکی:

تاریخ:

لطفاً حق اشتراک را به شماره حساب ۹۸۷۲۳۸۹۰، بانک تجارت، شعبه شهید کلاتری به نام درآمد اختصاصی دانشگاه علامه طباطبائی واریز نمایید. اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده فوق به نشانی دفتر مجله "سراج منیر" ارسال فرمایید.
حق اشتراک سالانه چهار شماره با احتساب هزینه ارسال ۱۵۴۰۰۰۰ ریال است. برای استدان و دانشجویان با ارسال کپی کارت شناسایی پنجاه درصد تخفیف لحاظ خواهد شد.

A Reference-Based Authentication of *al-Kāfi*

Jamal Farzand Wahy*

Mina Ya'qoubi**

Abstract

Penned by Muhammad Ya'qoub Kulaini, al-Kāfi holds an important position among the Shia hadīth collections due not only to its comprehensiveness, chapter design, and reliable references but also to his living in an era close to that of Shia imams (AS), high scientific status, and access to four hundred principles of Shia hadīth collection. The present study seeks to verify the authenticity of al-Kāfi through the examination of its references. For this purpose, historical evidences and the viewpoints held by Muslim scholars on its references were studied. They included the four hundred principles of Shia hadīth collection, earlier hadīth collections as well as those collections whose compilers have been disqualified, those collections whose compilers' trustworthiness have been disputed, and those reliable collections whose compilers have been disqualified. The results suggested that Kulaini has tapped reliable resources to compile al-Kāfi as a highly trustworthy collection of hadīth.

Keywords: *al-Kāfi, authentication, references, four hundred principles of Shia hadīth collection, earlier hadīth collections.*

* Faculty Member, University of Ilam;

E-mail: farzandwahy@yahoo.com

** MA Student, The Qur'an and *Hadīth* Studies, University of Ilam;

E-mail: yaghoobi.mina@gmail.com

Religious Principles and Psychological Analysis of Patience

Farideh Hussein Sabet*

Abstract

Extremely vulnerable to the hardships of life, an impatient man would fail to maintain his mental health and fall victim to mental disorders. Patience is defined as resistance against difficulties and hardships of life as well as internal obstacles. Its degree fluctuates over time. Therefore, the teaching of patience gains great importance. The Holy Qur'an uses a number of methods to teach patience: It directly urges the believers to exercise patience and advise each other to do so, it states its advantages, or provides the believers with some examples. Likewise, psychology suggests differential reinforcement, relaxation, self-instruction, modeling, and identification as patience-teaching methods. Patience helps one to achieve the truth, grow in resistance against hardships, maintain mental balance, and love the others. Hardiness is a similar concept. However, patience directs one's attention to all positive and negative consequences of the hardships of life and reduces his sense of impotence and stress. It also encourages him to devote more effort to overcoming the obstacles and, thus, reduces his pessimism towards the world and increases his love towards the others. Patience is, then, an effective method to come over depression. Moreover, it reminds him of the bounties of God to make him feel happier.

Keywords: *The Holy Qur'an, patience, mental health, psychology of religion, hardiness, teaching.*

* Assistant Professor, Department of General and Clinical Psychology, Allameh Tabataba'i University;

E-mail: hoseinsabet@atu.ac.ir

Seyyed Ali Qāzī's Method of Exegesis

*Karim Ali Muhammadi**

Abstract

A close look at Allameh Qāzī's works reveals the fact that he interpreted the Holy Qur'an using the Qur'an-based exegesis, that is, a technique of exegesis in which minor verses are interpreted through major ones. This was the standard technique practiced by the Holy Prophet of Islam (SAW) and the infallible imams (AS) as well as Islamic jurists in their interpretations of āyāt al-abkām (legislative verses) of the Holy Qur'an. Allameh Tabataba'i owed his technique for the exegesis of the Qur'an and hadith to Allameh Qāzī and based his Tafsīr al-Mīzān on the Qur'an-based exegesis. The study of Allameh Qāzī's interpretation of Samāt prayer and Ghadīriyah book of poetry suggests that he was a great man of letters and religious interpreter.

Keywords: *The Holy Qur'an, exegesis, teachings and practice of the Fourteen Infallibles (AS), the Qur'an-based exegesis, Allameh Qāzī.*

* Assistant Professor, The Qur'an and Hadith Studies, Shahid Madani University of Azarbaijan;

E-mail: karim110_ali@yahoo.com

A Comparative Analysis of *Qārūn*'s Story in the *Qur'an* and the *Bible*

Davoud Me'mari*

Mojgan Aqa'i**

Abstract

As the symbol of wealth, arrogance, and rebellion, Qārūn has been referred to in three chapters of the Holy Qur'an: Sūrah al-Qasas (The Stories), Sūrah al-Ankabūt (The Spider), and Sūrah al-Ghāfir (The Forgiver). In Sūrah al-Ankabūt and Sūrah al-Ghāfir, just a single verse is dedicated to Qārūn's story while seven verses of Sūrah al-Qasas recite his unlimited wealth, arrogance, and eventual death. According to the Qur'an, Qārūn was of Moses's people, but he behaved arrogantly towards them. He was very wealthy and believed his wealth was just the result of his competency and merit. His people benevolently advised him, and also God reminded him, and all those who were like Qārūn, that men who were stronger than him in might and greater in the amount of the riches were all destructed. Yet, he again rejected to donate his wealth and began to show off while the worldly-minded wished they had been in his place. Then, God's torment descended, and Qārūn and his house were devoured by the earth. The Bible, like the Qur'an, describes his fate in chapter 16 of the Book of Numbers under the Hebrew name of "Korah bin Izhar bin Kobath bin Levi": Korah was a cousin to Moses, but he was jealous of Moses and Aaron and rebelled against Moses in collaboration with Dathan, Abiram, On, and 250 princes of Bani Israel. After that earth opened mouth and devoured Korah, Dathan, and Abiram. Afterwards, a fire came from God and burnt his remaining companions. In this study, the two texts are compared and contrasted to pave the ground for greater understanding and empathy between the followers of the two holy religions.

Keywords: *The Holy Qur'an, The Bible, Qārūn, comparative analysis.*

* Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Studies, Imam Khomeini International University;

E-mail: memari@ikiu.ac.ir

** MA Student, Qur'an and Hadith Studies, Imam Khomeini International University;

E-mail: mojgan.ghaei@gmail.com

Elements of Human Dignity in the *Qur'an* and Practice of the Fourteen Infallibles(AS)

Abolghasem Naghibi*

Abstract

Perfect creation, will power, knowledge, wisdom, natural inclination towards God, and caliphdom all are extralegal concepts which constitute the elements of human dignity. Human dignity was first introduced into the Islamic moral and legal teachings through the Holy Qur'an as it says, "And surely We have honored the children of Adam...." The study of Islamic moral teachings reveals that human dignity constitutes their foundation. Teachings underlining self-knowledge, self-improvement, and spiritual purification all lead to human dignity. The teachings and practice of the Fourteen Infallibles (AS) demonstrated their concern for human dignity. Their good behavior and love towards people showed their recognition of human dignity. Moreover, most legal teachings of Islam are based on the recognition of human rights. In sum, maintenance of human dignity is one of the objectives pursued by Islam

Keywords: *The Holy Qur'an, sunnah, human dignity, mankind.*

*Associate Professor, Shahid Motahhari University;
E-mail: Da.naghibi@yahoo.com

A Structural Analysis of Mary's Narrative in the Holy *Qur'an*

Hassan Majidi*

Elaheh Veisi**

Lila Akbarzadeh***

Abstract

Narratology or narrative theory as the systematic study of narrative entered the realm of structuralism since about 1960. Theoreticians have since attempted to analyze the structure of the narrative using various methods such as dividing narrative into its segments. The Holy Qur'an urges the mankind to follow the example of prophets and divine leaders.

This article seeks to analyze the Qur'anic account of Mary's narrative in order to show its actions, general structure, and the relationship between its plot, theme, structure, characters, and their actions. The results are presented in the form of tables and graphs.

Keywords: *The Holy Qur'an, narrative, Mary's narrative, literary analysis, narrative structure, elements.*

* Assistant Professor, Arabic Language and Literature, Hakim Sabzevari University;

E-mail: majidi.dr@gmail.com

** MA Holder, Arabic Literature, Hakim Sabzevari University;

E-mail: e.veysee@gmail.com

*** MA Holder Persian Literature, Hakim Sabzevari University;

E-mail: la.akbarzadeh@gmail.com

English Abstracts of Papers

The *Qur'anic* Sciences in *Nahj al-Balāghah*

Mansour Pahlavan*

Ibrahim Iqbal**

Abstract

Undoubtedly, Imam Ali (AS) is the second greatest interpreter of the Holy Qur'an and its sciences after the Holy Prophet of Islam (SAW). Part of the Qur'anic sciences was presented to his followers in the form of quotations, narratives, and sermons. They were passed on to later generations in narrative and exegetical collections, including Nahj al-Balāghah. Although its compiler, Seyyed Razī, only collected some of Imam Ali's sermons, letters, and pithy sayings, one would find traces of the Qur'anic sciences, their types, virtues of the Qur'an, Qur'anic teachings, its recitation rules, its interpretation and exegesis, morphology, and finally its freedom from distortion.

Keywords: *The Holy Qur'an, Nahj al-Balāghah, exegesis, the Qur'anic sciences, hadīth.*

* Professor, Tehran University

E-mail: pahlavan@ut.Ac.Ir

eeghbal@ut.Ac.Ir

** Assistant Professor, Tehran University

E-mail: eeghbal@ut.Ac.Ir